

درباره پوپولیسیم روسیه و پوپولیسیم آمریکای شمالی*¹

اوکتاویویانی

تاریخ سیاسی بسیاری از کشورهای اروپا، آسیا، آفریقا، و نیز ایالات متحده نمایشگر جنبش‌های توده‌ای، احزاب سیاسی، و حکومت‌هایی است که در مطالعات جامعه‌شناختی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی نام پوپولیسیت بر آنها نهاده‌اند. در روسیه تزاری نیز، در نیمه دوم قرن نوزدهم، سازمان‌ها، فعالیت‌ها، بحث‌ها و تئوری‌هایی بوجود آمد که در تاریخ به عنوان پوپولیسیم روسی معروف است. در اروپای مرکزی - لهستان، رومانی، بلغارستان، مجارستان، یوگسلاوی و چکسلواکی نیز مباحثات، جنبش‌ها، و احزاب پوپولیستی بوجود آمدند. در دهه آخر قرن نوزدهم در ایالات متحده نیز حزبی پوپولیستی تأسیس شد. این حزب هم برنامه‌ای خاص خود و هم پایگاهی مردمی در جامعه روستائی داشت. در چین، برنامه انقلاب 1911 به رهبری سون یاتسن نیز دارای گرایش‌های پوپولیستی بود که در واقع از پوپولیسیم روسی تأثیر پذیرفته بود. پس از جنگ دوم جهانی، در مستعمرات سابق اروپا در آسیا و آفریقا نیز جنبش‌های توده‌ای، احزاب سیاسی، و حکومت‌هایی بوجود آمدند که بسیاری از محققین علوم اجتماعی نام پوپولیسیت بر آنها نهادند. این جنبش‌ها، احزاب، حکومت‌ها، و ایدئولوژی‌های متعدد که همگی دارای عنوان پوپولیسیت هستند، تحت شرایط تاریخی کاملاً متفاوت و متنوعی ظاهر شد و از نظر ترکیب طبقاتی، تاکتیک‌های سیاسی، روش‌های رهبری، برنامه‌ها، اهداف و غیره با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری داشتند. واضح است که این پدیده بر حسب شرایط اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی خاص هر کشور دارای تنوع و ویژگی‌های بسیاری است. لیکن در اینجا می‌توان از میان وجوه مشترک این پدیده متنوع دو وجه را ذکر کرد:

در وهله نخست چنین به نظر می‌رسد که نمونه‌های متعدد این پدیده در دورنمای وسیع تاریخی خود جملگی دارای یک خصلت مشترک هستند: همه جنبش‌ها، احزاب، حکومت‌های پوپولیسیت، و نیز مباحثات و جدل‌های مربوط به آن، خصلت یک عکس‌العمل ایدئولوژیک و پراتیک (بر حسب کشور) را نسبت به تغییرات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی ناشی از شکل‌گیری سرمایه‌داری صنعتی و شهرنشینی ملازم آن، بخود می‌گیرند. مسأله اصلی یا محرک عمده این جنبش‌ها همانا بحران شیوه زندگی اقشار وسیعی از کارگران روستائی یا کارگران شهری و یا در مواردی هر دوی آنها بوده است.

در وهله دوم بررسی عناصر اصلی متشکله هر یک از این حرکت‌های پوپولیستی نشان می‌دهد که برخی از این عناصر در تمام کشورها مشترک بوده و اغلب دارای اهمیت مشابهی هستند. این مسأله را، البته با شدت‌های گوناگون، می‌توان در گسترش و توسعه پوپولیسیت در روسیه، در کشورهای اروپای مرکزی و مستعمرات سابق اروپا در آسیا و آفریقا مشاهده نمود. در تمام این موارد کوشش بر آن بوده است تا زندگی اجتماعی و اقتصادی که بنیانی روستائی داشته است حفظ و تحکیم شود؛ درحالی‌که از سوی دیگر صنعت، همواره به عنوان عاملی مضر و مصیبت‌بار و یا به عنوان فعالیت‌های ثانوی (و تابع) در نظر گرفته می‌شود؛ چنین تلقی می‌شود که زمین عامل اصلی - گرچه نه عامل منحصر به فرد - بهزیستی در قالب حفظ و تحکیم تجربیات و سنن اشتراکی یا قبیله‌ای ارزیابی می‌شود؛ و تعاون، به عنوان پویای اجتماعی برتر و یگانه‌تری نسبت به تقسیم اجتماعی کار و روابط مبتنی بر "قرارداد" که در شهر و در صنعت حاکم است، در نظر گرفته می‌شود. این نوع پوپولیسیم سعی دارد هر کارگری - عمدتاً کارگران روستائی - را به شهروندی با حقوق و وظایف سیاسی‌ای تبدیل که از برتری شهر و روستا و صنعت بر کشاورزی دفاع کند،

¹ - * فصل سوم کتاب "شکل‌گیری دولت پوپولیستی در آمریکای لاتین" اثر اوکتاویویانی

لیکن در عین حال سعی دارد عوارض و اثرات منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از انباشت اولیه سرمایه را، مثلاً در روسیه، کشورهای اروپایی مرکزی، هند، اندونزی، غنا، سنگان، نیجریه و غیره، از کارگران دور کند. جنبش‌ها، احزاب و حکومت‌های پوپولیست، در هر یک از این کشورها، عمدتاً بر پایه ادراکی از روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد که بر هژمونی ارزش مصرفی استوار است. در این حالت ارزش مصرفی به عنوان شکلی مطرح می‌شود که از نظر سیاسی معصوم‌تر و انسانی‌تر از ارزش کار است. در اینجا باید کلیه روابط انسانی در تحلیل نهایی با ارزش مصرفی ارزیابی شوند و ارزش مبادلاتی به عنوان معیار سنجش تنها دارای جنبه‌ای ثانوی است. لنین در برخورد با پوپولیسم روسیه، که به جنبش نارودنیکی معروف است، چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

آقایان پوپولیست سرسختانه معتقدند که سرمایه‌داری در شهرهای ما، چیزی "مصنوعی" و "پوشالی" است و در صورت عدم حمایت از آن فرو می‌پاشد.² پوپولیست‌ها با این خیال که بطور مستقیم با واقعیت برخورد می‌کنند و با این اعتقاد که اختناق خود فی‌نفسه علت اختناق است، و نیز با شاهد گرفتن تاریخ، مسائل را به نحوی مطرح می‌کنند که گویی مالکیت تولیدکننده بر وسایل تولید در نحوه تولدی روستائیان، امری "همیشگی" و یا اصلی "ازلی و ابدی" است. در نتیجه اینان مدعی‌اند که امروزه سلب مالکیت از دهقانان موجب جایگزینی ارزش اضافی بورژوائی به جای مازاد تولید فنودالی نشده است و بطور کلی سرمایه‌داری نیز در اقتصاد ما مستقر نشده است. پوپولیست‌ها همه این تحولات را ناشی از سیاستی نابخردانه و انحرافی موقتی از مسیر تاریخ و سرنوشت از پیش تعیین شده ملت، به حساب می‌آورند.³

پوپولیسم آمریکایی شمالی دارای خصلت‌های ویژه‌ای است و با نمونه‌هایی که ذکر شد مشابهت چندانی ندارد. پوپولیسم در آمریکای شمالی در اواخر قرن نوزدهم در میان مالکین و کارگران روستائی ظهور کرد. در این دوره، بخش سرمایه‌دارانه اقتصاد کشاورزی ایالات متحده دچار بحران اضافه تولید بود و در عین حال اهمیت نسبی خود را در کل اقتصاد به نفع صنعت، تجارت، و امور مالی از دست داده بود.

در این حالت، ایدئولوژی پوپولیستی زمین را عامل اصلی بهزیستی اجتماعی می‌دانست و بر علیه "انگل‌ها" و "زدانی" که کنترل تجارت، امور مالی و دستگاه دولت را در اختیار خود داشتند اعتراض کرده و در مقابل، از "تولیدکنندگان حقیقی" دفاع می‌نمود. لیکن این حرکت در اصل عکس‌العملی بود بر علیه گرایش به افتراق⁴ در سیستم اقتصادی و بر علیه افزایش قدرت تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی بورژوازی مالی، صنعتی و تجاری؛ این بورژوازی نوعاً شهری است. در جمع‌بندی می‌توان گفت که پوپولیسم آمریکایی شمالی نوع خاصی از نفی بی‌بند و باری اقتصاد لیبرال بود. این پوپولیسم با تأکید بر مسائل مالی و سایر مسائلی که از اهمیت یافتن روزافزون حمل و نقل با راه‌آهن نشأت می‌گرفت، خواهان دخالت دولت در امور اقتصادی بود. از سوی دیگر این پوپولیسم بیشتر معطوف به امور مالی بود زیرا حس می‌کرد قسمتی از سودی که در فعالیت‌های کشاورزی بدست می‌آید به چنگ سرمایه مالی می‌افتد. در واقع مسأله در این حالت عبارت بود از دفاع از ارزش مبادلاتی بر اساس نیازهای باز تولید گسترده سرمایه در کشاورزی.

²- لنین: محتوای اقتصادی پوپولیسم و انتقاد استرووه از آن، مجموعه آثار، جلد 1.

³- همان اثر

سرمایه‌داری آمریکای شمالی در بخش کشاورزی، با تولید واحدهای بسیار کوچک که با هزینه ثابتی بهره‌برداری می‌شد و با فروش محصولات خود در بازار جهانی‌ای که هر روز رقابت بیشتری در آن صورت می‌گرفت و با فشاری که از جانب تعرفه‌های مالیاتی بر آن وارد می‌آمد در واقع در نبرد با سرمایه مالی شکست خورد. در حقیقت این صادرات بخش کشاورزی بود که سرمایه لازم برای صنایع آمریکای شمالی را فراهم می‌آورد و از طرف دیگر خوراک پرولتاریای صنعتی را نیز، با قیمت‌های هر روز نازل‌تری تأمین می‌نمود. با گذشت زمان هر چه بیشتر آشکار شد که مالکان ارضی در مقایسه با نرخ رشد اقتصادی کشور دیگر سود قابل ملاحظه‌ای بدست نمی‌آورند.

چنین می‌توان نتیجه گرفت که انواع پوپولیسمی که در اینجا ذکر شد، همگی دارای خصلت مشترک عکس‌العمل منفی بر علیه هژمونی شهر بر روستا و هژمونی صنعت بر کشاورزی بودند. در ایالت متحده پوپولیسم بیش از هر چیز مدافع سرمایه‌داری کشاورزی بود و در سایر کشورها و خاصه در روسیه، پوپولیسم نفی سرمایه‌داری را هدف خود قرار داده بود.